

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's m.

آئینه ایران

بهزاد مالکی

۰۳ جنوری ۲۰۱۸

جایگاه و دشواری های جنبش دانشجویی و وظایف کنونی آن



جنبش دانشجویی، از کل جامعه، از طبقات اجتماعی و مبارزات آنها با یکدیگر، از مسائل مهمی که جامعه با آن در هر مقطع تاریخی درگیر است و از خواست های طبقات مختلف جامعه، به ویژه خواست های طبقات و لایه های بالنده اجتماعی، جدا نیست.

امسال هم چون سال های پیش ۱۳ تا ۱۶ آذر، دانشگاه های ایران صحنه تظاهرات و اعتراضات زیادی به مناسبت گرامیداشت روز دانشجو بود. حتی دامنه این نارضایتی ها و اعتراضات به گردهم آئی های رسمی هم رسید، جایی که دانشجویان اصلاح طلب در مقابل مقامات دولتی و روحانیان رژیم، زبان به افشاگری و اعتراض به فساد و دزدی و تبعیض نه تنها در سطح دانشگاه ها بلکه در تمامی کشور گشودند.

شفافیت و صراحت شعارهای دانشجویان در تجمع های "غیرقانونی" است که تبعیض طبقاتی و جنسیتی را در همه جا محکوم کرده و دانشجویان را علیه پادگانی و امنیتی کردن دانشگاه ها و پولی کردن آموزش عالی و کالائی کردن آموزش و به طور کلی از طریق افزایش چشمگیر مدارس به اصطلاح غیر انتفاعی به مبارزه فراخواندند. شروع گردهمایی ها در ۱۳ آذر [قوس]، یادآور روزی است که در ده سال پیش در ۱۳۸۶- پس از سالها سکوت، صدها دانشجوی چپ و سوسیالیست تحت عنوان «دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب» با پرچم ها و شعارهای آزادی و برابری و سوسیالیسم دست به تظاهراتی علنی در صحن دانشگاه ها به ویژه دانشگاه تهران زدند که در نوع خود بدعتی در تاریخ جنبش دانشجویی در دوران پس از سرکوب و قلع و قمع گروه ها و سازمان های چپ در دهه ۶۰ به حساب می آمد. شعارهای امسال خود گویای سمت گیری های دموکراتیک و اجتماعی دانشجویان است: «با تهدید با احضار، تسلیم نمی شویم این بار!»، «دانشگاه پول گردان، تضعیف زحمتکشان!»، «دانشجو آگاه است با کارگر همراه است!»، «کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد! اتحاد!»- در شرایط سیاسی داخلی و خارجی امروز ایران، باید اهمیت ویژه اعتراضات گسترده دانشجویی را درک کرد.

امسال شاهد گسترش روزافزون مبارزات کارگران و زحمتکشان هستیم. کارگران زحمتکش مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اعتراضات خود را در روز سوم مردادماه [اسد] با بستن جاده اصلی اندیمشک به اهواز شروع کردند و علاوه بر مطالبات اقتصادی، خواهان پایان دادن به وضعیت امنیتی کارخانه و خصوصی سازی آن شدند. مبارزه آنان به رغم دستگیری های زیاد و به رغم برخی موفقیت ها و قول های مساعدی که مقامات این شرکت و مقامات دولتی داده اند، ادامه دارد. سندیکای کارگران شرکت واحد، که خود زیر فشار و سرکوب رژیم قرار دارد و رهبران از جمله رضا شهابی، ابراهیم مددی و داوود رضوی در زندانند، از این خواستهای کارگران هفت تپه حمایت کرده است. گروه اتحاد بازنشستگان و دیگر تشکل های بازنشستگان، فرهنگیان، کارگران، کارکنان بیمارستانی و غیره با برپائی یک تجمع وسیع چند هزار نفری در مقابل مجلس در ۳۱ مرداد [اسد] ۹۶ با شعار «معلم، بازنشسته، پرستار اتحاد، اتحاد» موجودیت خود را اعلام کردند. آنها در ضمن طرح مطالبات حقوقی و رفاهی خود، خواستار مبارزه با فساد و اختلاس هستند. بازنشستگان فرهنگی استخوان بندی اصلی این اتحاد اند که همراه با تشکل های معلمان، کارگران و غیره در هفته های اخیر به رغم بازداشتها و سرکوب به مبارزات خود ادامه دادند. ترمیم حقوق های بازنشستگی و خواست مستمری حداقل به میزان ۴ میلیون تومان در ماه، تأمین بیمه های اجتماعی بازنشستگان، حل معضل مسکن و خواست نظارت نمایندگان مستقل بازنشستگان بر صندوق های بازنشستگی و شرکت آنان در اداره این نهادها مطالبات اصلی اقتصادی و اجتماعی بازنشستگان را تشکیل می دهد. روز ۱۳ مهر [میزان] به مناسبت روز معلم تجمع وسیعی از معلمان و بازنشستگان در جلو سازمان برنامه و بودجه انجام شد. دامنه این اعتراضات به گردهمایی عظیم ۱۹ آذر [قوس] در میدان بهارستان و خیابانهای اطراف آن منجر شد. دامنه تظاهرات موضعی کارگران شرکت واحد به همراه معلمان و دانشجویان و دیگر فعالان کارگری برای آزادی رضا شهابی از زندان به متروی تهران کشیده شد، گردهمایی پنجم دی ماه [جدی] جاری در مقابل وزارت کار به دعوت تشکل های کارگران و بازنشستگان و با پشتیبانی دانشجویان از این حرکت، خود نمونه خوبی از همبستگی کارگران و دانشجویان به شمار می آید. شعار «کارگر زندانی آزاد باید گردد- کارگر، معلم اتحاد- کارگر، دانشجو اتحاد» از جلوی مجلس تا درون متروها شنیده می شد. «کمپین دفاع از زندانیان اعتصابی» با تجمع فعالان صنفی و مدنی در ۲۲ شهریور [سنبله] در مقابل زندان گهر دشت که با دستگیری چند تن همراه شد از دیگر حرکات چشمگیر امسال بود. شورش مردم بانه به دنبال کشته شدن چند کولبر کرد به دست مأموران دولتی - که پس از آن هم در موارد مختلف ادامه یافته - و حمایت فعالان مدنی و سیاسی از آنان در ۲۴

شهریور [سنبله] در میدان آزادی و تظاهرات معلمان و بازنشستگان در شهرهایی چون تبریز و ساری و... گستره وسیع اعتراضات را نشان می دهد. اعتراضات گسترده کارگران کارخانجات هپکو و آذرباک در اواخر شهریور به زد و خورد با مأموران و بسته شدن مسیر راه آهن سراسری منجر شد که با دستگیری چند تن از مأموران انتظامی که از ضرب و شتم کارگران خودداری کرده بودند، همراه شد. خبر این اعتراضات و تصاویر خشن سرکوب کارگران توسط نیروهای موتوری بسیج و یگان ویژه ضد شورش و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی، تکان شدیدی در افکار عمومی ایجاد کرد و مجلس نشینان را هم به اعتراض کشاند. در نامه مشترکی به روحانی، مقدسی و علی اکبر کریمی نمایندگان اراک خواستار برکناری زمانی قمی استاندار استان مرکزی و ... شدند. تراکم اعتراضات دانشجویان و کارگران و بازنشستگان و گستره شکاف های درونی رژیم، همراه آشکار شدن فسادهای مالی سرمداران آن از همه جناح ها، به لبریز شدن صبرمردم منجر گردید، به طوری که این روزها ما شاهد تظاهرات توده ئی در اکثر شهرهای ایران چون ارومیه، مشهد، نیشابور، اهواز، تهران، کرمانشاه، رشت، قزوین، همدان، یزد، ساری و ... در اعتراض به فقر و گرانی و غارت اموال عمومی و فساد اقتصادی، انواع ستم و تبعیضات طبقاتی و سرکوب خشن آنها توسط نیروهای انتظامی هستیم که در نوع خود به واسطه شعارها و وسعتش، پس از تظاهرات سال ۸۸ بی نظیر است.

جمهوری اسلامی، عاجز از پاسخگویی به معضلات داخلی، با صرف میلیاردها تومان به ماجراجویی های خویش در منطقه ادامه می دهد. رژیم در پی گسترش مرزهای ستراتیژیکش از بحیره مدیترانه تا بحیره عمان و باب المندب با تشکیل هلال شیعی از یمنی های زیدی و شیعه های عراقی و لبنانی و علوی های سوری، اهداف اقتصادی - سیاسی هژمونی طلبانه ای را دنبال می کند که با منافع دولت های ارتجاعی دیگر منطقه چون عربستان و ترکیه و اسرائیل در تضاد قرارداد. دخالت ها و تضاد منافع دول امپریالیستی روس و امریکا و متحدان اروپائی اش در منطقه خاورمیانه و تأثیرش بر روی تضادهای داخلی، شرایط پیچیده و خطرناکی ایجاد کرده است که برای مردم منطقه و ایران مصیبتی بزرگ است و به بررسی مفصلی احتیاج دارد که در مقام این نوشته نیست. ولی «برکات» آن برای ارتجاع حاکم، انتشار شووینسم منحطی آغشته به خرافات و تعصبات مذهبی است که اذهان عمومی را آلوده ساخته و در خدمت منحرف کردن آن از مشکلات داخلی است. گسترش شعارهای امروز مردم در جهت رهاکردن سوریه و دخالت های رژیم در منطقه و صرف میلیاردها تومان در آنجاها در تظاهرات اخیر شهرها خود جرقه هائی از آگاهی توده ئی نسبت به این موضوع است.

جنبش دانشجویی همان طور که در گذشته اش نیز نشان داده است همچون نیروئی دموکراتیک و مترقی نمی تواند به این شرایط داخلی و خارجی بی اعتناء باشد و این وظیفه فعالان این جنبش است که به ارتقای آن جهت همراهی و حمایت از جنبش کارگران و زحمتکشان، جنبش اعتراضی عمومی و افشای سیاست های مخرب رژیم در منطقه دست یازند. در سالهای بحران انقلابی ۵۶-۵۷ با وجود تظاهرات میلیونی مردم و علی رغم امتیازاتی که از شاه گرفت، رژیم مقاومت می کرد و جنبش مردم می رفت که با شدت گرفتن سرکوب ها به ویژه بعد از کشتار ۱۷ شهریور [سنبله] به گل نشیند. در آن زمان اعتصاب کارگران شرکت نفت و به دنبال آن اعتصاب کارمندان ادارات و مطبوعات و بالاگرفتن اعتصابات در اکثریت واحدهای اقتصادی و پیوند آنان با جنبش توده های شهری بود که همه را غافلگیر کرد و توانست رژیم شاه را فلج کند و مقدمات سقوط شاه را فراهم کند. در آن هنگام دانشجویان در کنار کارگران و توده های معترض به اشکال مختلف شرکت داشتند و به رغم تمام کاستی هائی جنبش عمومی آن زمان و موج سواری روحانیت به سرکردگی خمینی، دانشجویان توانستند نقش زیادی در آن جنبش ایفا کنند. درست پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی هم جنبش دانشجویی از نخستین سنگر های مقاومت در مقابل حکومت خمینی بود.

به رغم سرکوب جنبش دانشجویی در سال های اول پس از انقلاب و تصفیه و به اصطلاح پاکسازی آن در "انقلاب فرهنگی" و تصرف ستادهای دانشجویی توسط انجمن های اسلامی به دستور خمینی و تسلط یک دهه «دفتر تحکیم وحدت» وابسته به جناح های حکومتی بر جنبش دانشجویی، در سال های اخیر شاهد رشد چشمگیری در زمینه آگاهی و تفکر سیاسی در میان دانشجویانی هستیم که به ضرورت حرکت و تشکل مستقل از جناح های حکومت یا به طور کلی مستقل از بورژوازی (خواه حاکم و خواه غیر حاکم) پی برده اند. این جهشی در جنبش دانشجویی و نشانگر «دوران جدیدی» در این جنبش است.

روی کار آمدن خاتمی مدیون حمایت و شرکت جوانان و دانشجویانی بود که عمده عمرشان و یا تمام آن را در دوران جمهوری اسلامی گذرانده بودند و از انقلاب جز خاطرات بزرگتران و تبلیغات رژیم چیزی نمی دانستند. ولی ۲۰ سال جنگ و زور و تبعیض و فساد را همراه مشمئزکننده ترین تبلیغات عقب مانده، آزموده بودند. اما ریزش توهّمات آنان که تشنه آزادی و دموکراسی و رفع تبعیضات جنسیتی و اجتماعی بودند، با آگاهی و شناخت علمی از ماهیت جمهوری اسلامی و جناح بندی های آن و پیوند به غایت ارتجاعی دین و سرمایه همراه نبود. نسلی که خواهان شرکت در سرنوشتش بود، در وجود خاتمی و موسوی و کروبی و سرآخر روحانی آن عناصری را جست و جو می کرد که شاید بتواند بدون هزینه زیاد این مهم را انجام دهد. از این رو پا به میدان گذاشت و در همان دوره ریاست جمهوری خاتمی، در ۱۸ تیر [سرطان] ۷۸ سرکوب شد. بار دیگر در خرداد [جوزا] ۱۳۸۸ در سایه توهّماتش و در دفاع از حق انتخاب آزادش در روی سنگفرش خیابانها و زندان کهریزک سلاخی گردید. با وجود این، مضحکه انتخابات به رغم از دست دادن بسیاری از طرفدارانش هنوز کاربردهایش را برای حکومت از دست نداده است. اما افق جدیدی در جهت ریزش توهّمات جوانان و دانشجویان گشوده شده است. گشوده شدن این افق جدید در گرو نه تنها زدودن توهّم به جناح بندی های رنگارنگ درونی حکومت و اپوزیسیون های قانونی آن بلکه اپوزیسیون های ارتجاعی سلطنت طلب و مجاهدینی است که مترصد سوار شدن بر امواج خیزش های مردمی هستند.

این دوران جدید هنگامی می تواند واقعاً شکوفا شود و تکامل یابد که دانشجویان پیشرو و انقلابی که با نگرش بورژوائی به جنبش دانشجویی مرزبندی دارند و پای بند به پیوند محکم جنبش دانشجویی با جنبش دموکراتیک عمومی مردم و جنبش طبقه کارگر برای آزادی هستند، از یک سو بتوانند پیوند خود را با توده دانشجوی و توده های زحمتکش مردم گسترش دهند و از سوی دیگر با تلفیق مناسب اشکال مبارزه مخفی و علنی باعث تداوم و تکامل مبارزه و هسته های مبارزاتی شوند. نیروهای امنیتی رژیم در دو نوبت ۱۳۶۰ و ۱۳۸۸ با استفاده از شناسائی های وسیع دوره علنی جنبش دانشجویی توانستند ضربه های سنگینی به آن وارد کنند و بسیاری از رهبران آن را از میدان مبارزه خارج کنند. در حالی که در سالهای خفقان ۵۴- ۵۷ به رغم تظاهرات وسیع برای خواست های ویژه دانشجویی و خواست های سیاسی عام، اکثر هسته های رهبری کننده و فعال دانشجویی توانستند از تورهای امنیتی ساواک در روند استبداد سیاسی و سرکوب خشن همراه آن، کاسه صبر دانشجویانی را که به کار دراز مدت و روشمند عادت ندارند سرریز می کند و این زمینه ساز گرایش های آناشیستی و ماجراجویانه در آن می باشد. چپ سوسیالیستی برای حفظ ادامه کاری و تداوم و انتقال تجارب مبارزاتی - در محیطی که برای یک دانشجو زمانی نسبتاً کوتاه بین ۴ تا ۶ سال است - به مبارزه ای مداوم با این گرایش ها در درون خود نیاز دارد. جنبش دانشجویی در نهایت همراه و هم آواز جنبش توده ای است و هیچ گاه جای آن را نمی گیرد. فراموش نکنیم که جنبش دانشجویی، جنبشی دموکراتیک است و وظیفه دانشجویان پیشرو، در درجه اول، کشاندن وسیع ترین توده های دانشجو به این مبارزه و تضمین ادامه کاری آن بعد از فارغ التحصیل شدنشان است. دانشجویان چپ و پیشرو، حلقه مهم و اساسی این جنبش هستند. دانشجویان چپ با دو سؤال

بزرگ روبه رو هستند: شرکت در مبارزات دموکراتیک دانشجویی و برقراری پیوند با توده های دانشجو از یکسو و اهتمام در جهت ایجاد هماهنگی بین گرایش ها و هسته های مختلف چپ دانشجویی از سوی دیگر در راستای اتحاد سیاسی- عملی و تشکیلاتی برای تأثیر گذاری قاطع تر سیاسی و سازمانی بر جنبش عمومی دانشجویی و از طریق آن بر جنبش عمومی. البته انجام کامل این مهم در گرو کوشش هایی است که جنبش چپ و به بیان دقیق تر جنبش کمونیستی ایران در راستای حل اختلافات درونی، ایجاد وحدت و اتوریته سیاسی در جهت ایجاد حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر برعهده دارد. پیشرفت و موفقیت در این راه می تواند تأثیری کیفی بر جنبش دانشجویی ایران و نه صرفاً فعالیت دانشجویان سوسیالیست یا هوادار سوسیالسم بگذارد. به همین طریق گسترش و تحکیم جنبش دانشجویی مستقل و به ویژه فعالیت های دانشجویان سوسیالیست می تواند به گسترش بینش سوسیالیستی در عرصه های نظری و عملی یاری رساند و به طور مستقیم و غیر مستقیم به جنبش انقلابی طبقه کارگر کمک کند.

در این میان خطری که جنبش دموکراتیک دانشجویان را تهدید می کند، دنباله روی از گروه های سیاسی تا تبدیل شدن به زائده های آنها از یکسو و استفاده های ابزاری گروه ها از جنبش در جهت تبدیل کردن آن به پشت جبهه و منبع عضو گیری است. در میان دانشجویان، هرگاه وحدت نظری و اتوریته سیاسی واحدی وجود داشته ما با یک جنبش دانشجویی نسبتاً منسجم و همگرا روبه رو بوده ایم و در نبود آن خصلت نمای جنبش دانشجویی پراکندگی نیروهای چپ و ضعف جنبش دموکراتیک آن بوده است. این مسأله را صرف نظر از ایدئولوژی و خط مشی حاکم در سالهای ۲۰ تحت نفوذ حزب توده و بین سالهای ۴۶-۵۴ تحت اتوریته سیاسی مشی چریکی و در سالهای ۶۰ با دفتر تحکیم وحدت زیر نفوذ حکومت مذهبی شاهد بوده ایم. دفاع از استقلال سازمان های دانشجویی از دولت ها و احزاب سیاسی آنچنان که برای سندیکاها و اتحادیه های کارگری توصیه می شود، می تواند بنا بر اوضاع و احوال سیاسی جامعه، اشکال مختلفی از تشکیلات مخفی و علنی را به خود بگیرد.

در مقابل جنبش دانشجویی دو نوع مطالبات قرار دارد: نخست یک رشته مطالبات خاص که به مناسبات درونی دانشگاه ها و محیط های زندگی و فعالیت دانشجویی و داشتن حداقل شرایط لازم این فعالیت مربوط می شوند مانند خواست خروج نیروهای انتظامی و امنیتی از دانشگاه ها، مدارس عالی و خوابگاه های دانشجویی؛ منع حمله نیروهای انتظامی به دانشگاه ها و خوابگاه های دانشجویی؛ باز گشت دانشجویان اخراجی به دانشگاه ها برای ادامه تحصیلاتشان؛ آزادی تشکیل انجمن های دانشجویی مستقل و نشریات دانشجویی؛ منع دخالت نیروهای انتظامی و باند های امر به معروف و نهی از منکر در مسائل خصوصی و به ویژه در روابط عاطفی و جنسی دانشجویان؛ لغو «گزینش دانشجو» و یا استاد و مدرس دانشگاه ها و مدارس عالی عمومی براساس اعتقادات دینی، جنسیت یا منشأ ملی و قومی؛ لغو سهمیه بندی دانشجویی بر اساس جنسیت و یا بر اساس وابستگی به نهادهای حکومتی؛ حذف معیارهای مبتنی بر جنسیت، مذهب، عقیده، ملیت یا قومیت در زمینه اعطای بورس و کمک تحصیلی مسکن دانشجویی، انتخاب رشته و غیره؛ حق تدریس و تحصیل به زبان های ملت های غیر فارس ساکن ایران.

افزون بر این، شرایط ویژه زندگی دانشجویی که یکی از مهم ترین جنبه های آن آموختن دانش، فن و هنر و شرکت فعال و خلاق در زندگی فرهنگی جامعه است آنان را به سوی تمایلات و خواست های وسیع دموکراتیک سوق می دهد. زیرا آزادی های مدنی، سیاسی و اجتماعی شرط لازم و اجتناب ناپذیر برای زندگی پر بار دانشجویی و فعالیت علمی و فرهنگی به طور کلی هستند. بدین سان مطالباتی مانند آزادی اندیشه و بیان، آزادی گردهمایی، آزادی پژوهش، آزادی انتقاد و پرسش، آزادی مراوده، آزادی مسافرت و رفت و آمد، حق بازدید از مراکز تولیدی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، بهره مندی از حق تشکل و غیره، برای دانشجویان اهمیت حیاتی دارند.

دوم یک رشته خواست های عمومی وسیع ترین توده های مردم است که دانشجویان به عنوان بخش نسبتاً وسیعی از جمعیت کشور در آن خواست ها سهیم اند زیرا آن خواست ها بیانگر نیازهای بحق دانشجویان نیز هستند. جمعیت عظیم سه و نیم میلیونی جوانان دانشجو، که بخش بزرگی از آنان از میان توده های مردم می آیند، به دلیل شرایط تحصیلی، فشار اقتصادی و فرهنگی و تبعیض های گوناگون در دوره دانشجویی و همچنین احساس نا امنی شغلی، اجتماعی و سیاسی پس از پایان تحصیلات، خود را در وضعی می بینند که باید با رژیم جمهوری اسلامی که سایه شومش را بر زندگی آنان افکنده است، مبارزه کنند. شیخ هولناک بیکاری، بی اعتمادی به آینده و تورم بالا را هر روز مشاهده می کنند. از سوی دیگر، در اثر تکامل سرمایه داری، جدائی روز افزون تولید کنندگان از وسائل تولید، و بالا رفتن میزان حداقل سرمایه لازم برای به راه انداختن «کسب و کار مستقل»، و تمرکز سرمایه در دست شمار هر چه کمتری از افراد که ویژگی های سیاسی جمهوری اسلامی آن را تشدید می کند، بسیاری از تحصیل کردگان، آینده دیگری جز کارمزدی برای خود نمی بینند و ایده ایجاد بنگاه و شغل آزاد و غیره برای اکثریت عظیم دانشجویان جز خوش خیالی خام نیست. این وضعیت در ایران زمینه دیگری برای نزدیکی عینی دانشجویان با کارگران است.

خواست های اقتصادی و اجتماعی مشترک توده جوانان- که موجودیت کلی تری نسبت به دانشجویان دارند و دانشجویان در مورد اشتغال، حقوق بیکاری، بیمه های درمانی و بهداشت، عدم مداخله نیروهای انتظامی و باندهای امر به معروف و نهی از منکر در مسائل خصوصی و به ویژه در روابط عاطفی و جنسی، منع حجاب اجباری، و یکسری خواستهای دموکراتیک سیاسی و حقوقی، ضرورت پیوند آنان را با هم و در عین حال با جنبش کارگری و جنبش زنان برای آزادی ثابت می کند. نکته ای که در نتیجه باید مورد توجه قرار گیرد این است که نا رضایتی جوانان شهری که به صورت نافرمانی های مدنی در نحوه پوشیدن لباس و آرایش سر و صورت و شکستن محرمات رژیم ولایت فقیه، و حتی اعتراضات سیاسی و خیابانی پدیدار می شود تا زمانی که با نگاه به بالائی ها همراه است، مانند بسیاری از حرکاتی که از دوم خرداد [جوزا] تا کنون شاهدشان بوده ایم، نمی تواند به تغییرات اساسی در اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم منجر شود. تغییرات جزئی هم که در اثر چنین حرکت هایی ممکن است به وجود آیند با اندک دگرگونی در موازنه قدرت جناح های حکومتی باز پس گرفته می شوند. در نبود یک اتوریته سیاسی و تشکیلات راهبر انقلابی و پیشرو، جنبش خود به خودی توده ای در خطر سوء استفاده جریان های ارتجاعی در درون و بیرون حاکمیت قرار دارد. از سلطنت طلبان رنگارنگ و مجاهدین خلق گرفته تا اصلاح طلبان و ملی- مذهبی های معترض و باندهای رنگ عوض کرده ای چون دار و دسته احمدی نژاد، همگی مترصدند تا بر این امواج سوار شوند و یکباردیگر آن را به بیراهه بکشانند.

اکنون باید نگاه ها را متوجه یائینی ها ساخت. جوشی در پائین در میان کارگران و زحمتکشان، معلمان و دانشمندان و توده های محروم در حال غلیان است، این جوش را که بیانگر مبارزه ای سیاسی و انفجار اعتراضات سرکوب شده است این روزها در اغلب شهرهای مهم کشور می بینیم. اعتراضات عمومی به ضد تیره روزی اقتصادی وحشتناکی که نظام اقتصادی و سیاسی حاکم تحمیل کرده، فساد حاکم، امتیازات سرمداران حکومتی، استبداد و سرکوب مستمر رژیم رشد می کند و گسترش می یابد. پیوند انرژی و خشم انقلابی جوانان، اعم از دانشجو غیر دانشجو، با خشم انقلابی کارگران و زنان در شط خروشان و بنیان کن مبارزات توده های میلیونی کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی به ضد جمهوری ارتجاعی و خونین اسلامی، به ضد حکومت ننگین و ویرانگر سرمایه داران و زمینداران حاکم، پیش شرط هر تغییر اساسی و انقلابی است.

دانشجویان انقلابی و سوسیالیست در این میان با وظایف بزرگی روبه رو هستند. دامنه این وظایف اکنون فراتر از مبارزه برای خواست های ویژه دانشجویی است که البته مهم اند و باید مورد توجه قرار گیرند. امروز یاری رساندن به

مبارزات انقلابی طبقه کارگر و جنبش اعتراضی عمومی که مضمون عمیق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد در صدر وظایف جنبش دانشجویی و جنبش جوانان به طور کلی قرار دارد. دعوت از جوانان برای خیزش و پیوستن هر چه بیشتر و وسیع تر به جنبش اعتراضی که در تظاهرات عمومی اخیر طنین انداز است، باید به ویژه از سوی دانشجویان انقلابی و سوسیالیست جدی گرفته شود. البته می دانیم که دانشجویان زیادی از مبارزات کارگران و اعتراضات توده ئی پشتیبانی می کنند و در بسیاری از موارد در صف اول قرار دارند و ضربات زیادی نیز در این راه به جان خریده اند. اما تداوم، اعتلاء و کیفیت جنبش کنونی به شرکت بسیار بالاتر و بسیار فعال تر و بسیار آگاهانه تر دانشجویان و جوانان انقلابی بستگی دارد. همان گونه که تداوم، اعتلاء و کیفیت این جنبش و ظرفیت تأثیرگذاری آن بر جامعه به ورود وسیع طبقه کارگر و زنان مبارز به جنبش سیاسی انقلابی وابسته است.

- ۱۰ دی [جدی] ۱۳۹۶